



چرا جهان سومی‌ها آسمان‌خراش می‌سازند؟

یک توبه تاریخی

تا سال ۱۸۸۹ ستون یادبود واشنگتن به عنوان بلندترین سازه جهان شناخته می‌شد، اما در این سال برج ایفل جانشین آن شد.

برج ایفل که طراح آن مهندس ایفل بود، در سال ۱۸۸۹ برای نمایشگاه جهانی و به مناسبت صدمین سالگرد انقلاب فرانسه ساخته شد و در واقع نماد خاری بود که در آن نمایشگاه به چشم همه دنیا فرو می‌رود. اما پس از اتمام نمایشگاه، به خاطر زیبایی مهندسی آن، از تخریب ایفل صرفنظر کردند و به نشانه شهری پاریس و حتی فرانسه بدل شد. این برج به مدت ۴۱ سال تا زمان بهره برداری از ساختمان کرایسلر در نیویورک در سال ۱۹۳۰، به عنوان بلندترین برج جهان شناخته می‌شد. البته برج ایفل صرفاً یک المان نمایشی و بدون کاربری است و اما مهم‌ترین جهش در زمینه آسمان‌خراش‌ها را برج کرایسلر ایجاد کرد. در سال ۱۹۲۸ والتر کرایسلر از معمارش وان آلن خواست برای او بلندترین ساختمان جهان را طراحی کند. بنابراین برج کرایسلر در سال ۱۹۳۰ با ۷۷ طبقه و ۳۱۹ متر ارتفاع، مرتفع‌ترین سازه ساخت دست بشر آن دوران یعنی برج ایفل را هم پشت سر گذاشت.

سرمستی والتر کرایسلر از داشتن بلندترین ساختمان جهان دیری نپایید و در اواخر سال ۱۹۲۹ کمپانی امپایر استیت با تصمیم به ساخت آسمان‌خراشی به همین نام، رقیب را از میدان به در کرد. این بنای ۱۰۲ طبقه‌ای ۳۸۱ متری در اوج دوران رکود

پنجره ایرانیان: غرب، سال‌هاست عطش خود را در سرکشی‌های معمارانه سیراب کرده است. تمدنی که مرد روزهای برج و آسمان‌خراش بود، سال‌هاست که دیگر سیراب از برج و پل و اتوبان و بلندترین‌ها و بزرگترین‌ها و بیشترین‌هاست.

به گزارش مشرق نیوز، پتروناس مالزی، برج میلاد تهران، برج ساعت مکه، برج پادشاهی ریاض، مرکز اعتبار جهانی شانگهای، برج ۱۰۰kk و دست آخر برج خلیفه دبی. نام این آسمان‌خراش‌ترین‌ها را بارها شنیده‌اید. وقتی سرمستی انسان به اوج می‌رسد، آسمان را می‌خراشد!

درمیان نام‌های این آسمان‌خراش‌ها خبری از برج‌های جهان غرب نیست! چراکه غرب، سال‌هاست عطش خود را در سرکشی‌های معمارانه سیراب کرده است. تجربه ابتدایی غرب در ساخت آسمان‌خراش، به قریب ۱۵۰ سال پیش آمریکا برمی‌گردد و اتفاقی که عامل شکل‌گیری مکتب معماری شیکاگو شد.

شهر بزرگ شیکاگو آمریکا، در سال ۱۸۷۱ در آتش سوخت و معماران و مهندسان جوان سازه، بر ویرانه‌های شهر، بنیان سبک و سیاقی از معماری مدرن را شکل دادند که بعدها "مکتب شیکاگو" نام گرفت و اصول و قواعد آن، به‌عنوان منشور معماری مدرن، مورد توجه قرار گرفت.

۲. برج تایبه ۱۰۱، در تایوان با ارتفاع ۵۰۹؛
۳. مرکز مالی جهانی شانگهای چین با ارتفاع ۴۹۲؛
۴. برج‌های پتروناس ۱ و ۲ در کوالالامپور با ارتفاع ۴۵۲؛
۵. مرکز مالی گرینلند ناچینگ چین با ارتفاع ۴۵۰.

دانستش خالی از لطف نیست که، واژه آسمانخراش فارسی یک گرت‌برداری از واژه skyscraper انگلیسی است. این واژه، نخستین بار در اواخر سده نوزدهم برای ساختمان‌های بلند شهر نیویورک آمریکا به کار رفت. امروزه ساختمانی عنوان آسمان خراش دارد که بلندای آن، دست کم به ۱۵۰ متر برسد.

واقعیت مهم و غیر قابل انکار بلندمرتبه‌سازی، هزینه‌های بسیار گزاف و سرسام‌آور آن است. هنگامی که ساختمانی با ارتفاعی بیش از ۱۵۰ متر یا ۸۲۸ متر (برج خلیفه دبی) ساخته می‌شود؛ ضرایب باورنکردنی بر هزینه‌ها اعمال می‌گردد و در مقیاس‌های بسیار بزرگ، فارغ از هزینه‌های مصالح یا موارد فنی، تکنولوژی پیچیده‌ای را نیز می‌طلبد. علاوه بر همه این‌ها هزینه "تعمیر و نگهداری" ساختمان که پس از ساخت، جاری می‌شود، به قدر خود سرسام‌آور است.

اما برای چه کاربری‌هایی این هیولاهای عظیم ساخته می‌شوند؟

۱. مهم‌ترین دلیل ساخت آن، کاربری مسکونی است. واضح است که تامین کاربری مسکونی با هزینه‌هایی گزاف، عقلانی نیست. اما در شرایطی مانند کمبود شدید زمین در کشورهای کوچک و متراکم یا جزیره‌ای، مانند کره یا ژاپن معقول می‌نماید. لازم به ذکر است که، عملاً توجیه مسکونی برای این ساختمان‌ها منطقی نیست. در واقع تنها ۱ برج از ۲۰ برج بلندمرتبه دنیا، کاربری مسکونی دارد.

۲. کاربری دیگر این برج‌ها، مخابراتی است، که احتمالاً این بدترین کاربری برای یک برج می‌تواند باشد. چراکه برج مخابراتی قاعدتاً درآمدزایی خاصی ندارد. به علاوه می‌توان با مکان‌یابی مناسب و سازه‌هایی به مراتب کم هزینه تر مثل دکل و... همان کارایی را ایجاد کرد. چنین سرمایه‌گذاری هنگفتی، عملی سخاوتمندانه به حساب می‌آید. حال آنکه عملاً با پیشرفت فناوری، نیاز به تجهیزات در ارتفاع بالا کمتر می‌شود و حتی ممکن است در طول دوره ساخت این گونه برج‌ها، با توسعه تکنولوژی ضرورت آنها نیز از بین برود.

۳. کاربری دیگر آن نیز "اداری - تجاری - اقامتی" است که صرفاً در بلندمدت، قادر است هزینه‌های هولناک خود را به جیب سرمایه‌گذار برگرداند.

۴. غرور، هویت و نشانه شهری؛ ایجاد احساس غرور ملی، هویت سازی برای یک شهر و ایجاد یک نماد شهری و برندینگ شهری، از جمله دلایل دیگری است که برای ساخت آسمان خراش‌ها عنوان می‌شود. اگرچه بسیاری از این آسمان خراش‌ها، پس از اتمام پروژه، به نماد شهر بدل می‌شوند؛ اما نماد شدن یک آسمان خراش پس از چند دهه امکان‌پذیر است. البته اینجا یک پرسش، موضوعیت دارد؟ آیا ساخت یک برج ۸۲۸ متری تنها روش هویت‌سازی است؟ بسیاری از نمادهای شهری ارتفاع زیادی ندارند. اوپرای سیدنی، کلیسای سن پیترو، مجسمه آزادی منهتن، آکروپولیس آتن و ... در غرب، و مساجد جامع و عالی قاپو و از همه مهمتر میدان نقش جهان و برج آزادی تهران، نمادهایی جهانی و کم ارتفاع هستند که غالباً هویت‌بخش و غرورآفرین نیز هستند.

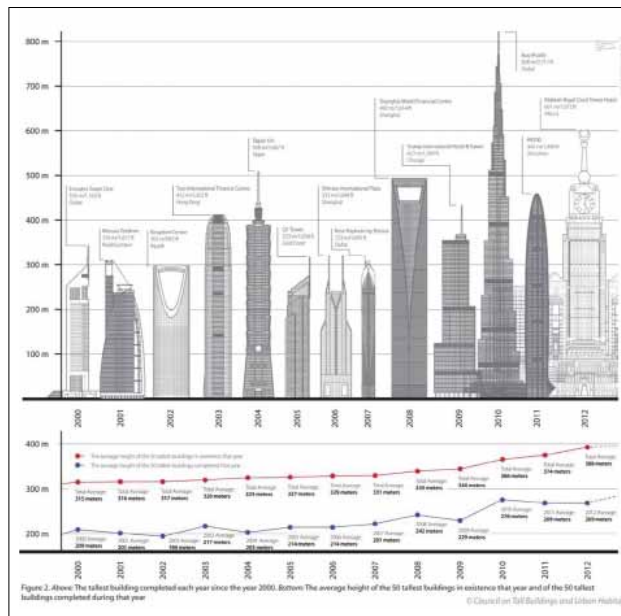
بهتر است بدانیم که کشورهایی که به لحاظ عقبه فرهنگی و تمدنی، ضعیف هستند، برای نمادسازی و هویت‌سازی، به شیوه‌هایی این‌چنینی روی می‌آورند. با ادله بالا اثبات می‌شود که ساخت برج میلاد تهران نیز، توجیه منطقی ندارد.

دانستش خالی از لطف نیست که برج شارد در لندن به عنوان بلندترین برج اروپا، در رتبه ۵۶ دنیا قرار دارد و این به معنای انصراف اروپا از شرکت در این مسابقه است. آمریکایی که تمدن ارشد جهان مدرن خوانده می‌شود، و تا سال ۱۹۸۰ همه صد برج برتر جهان را در خود داشت؛ در سال ۲۰۱۲ این عدد به ۲۴ برج رسیده است و در شهرسازی خود، به ویلاسازی‌های یک طبقه روی آورده است و این یعنی یک توبه تاریخی!

اقتصادی تا مدت‌ها چشم همگان را خیره کرد و تا کنون بیش از ۱۱۷ میلیون بازدیدکننده از آن دیدن کرده‌اند. بر بالای ساختمان برج، آنتن‌های تلویزیونی و مخابراتی نصب گردیده که ارتفاع برج را به ۴۴۲ متر می‌رساند. البته هزینه سرسام‌آور امپایر استیت به حدی بود که تا ۴۰ سال بعد هیچکس جرات نکرد رکورد این ساختمان بلند را بزند.

با ارائه تئوری سازه‌های لوله‌ای در اواسط دهه ۶۰، ساختمان‌های غول‌آسایی چون برج‌های دوقلو مرکز تجارت جهانی (۴۱۱ متر) و برج سیرز (۴۴۲ متر) در اوایل دهه ۷۰ سر از آسمان‌ها در آوردند. پس از آن بلندترین‌ها به مرور به مشرق زمین منتقل شد و برج‌های دوقلوی پتروناس در پایتخت مالزی با ۴۵۲ متر ارتفاع، رکورد بلندترین ساختمان اداری جهان را در دست گرفت.

بلندتر و بلندتر، سریع‌تر و سریع‌تر، برج‌ها بر روی هم ساخته شد تا غرور غرب مدرن، فروکش کند و فخر دانش مهندسی خود را به جهان بفروشد. اما غرب که مرد روزهای برج و آسمانخراش بود، سال‌هاست که دیگر سیراب از برج و پل و اتوبان و بلندترین‌ها و بزرگترین‌ها و بیشترین‌ها؛ به دنبال مامنی است که در آن قدری بیاساید و در توبه ای تاریخی، به یک طبقه‌سازی، در شهرک‌سازی‌های خود روی آورده است. اما چه کنیم که عطش آن همچنان در مشرق زمین باقیست و مسابقه "بلندترین‌ها" روز به روز رونق می‌گیرد. تا جایی که به گواه نمودار زیر، دیگر نامی و نشانی از آسمانخراش‌های غربی، در میانه نیست!



برنده‌های این مسابقه چندان ماندگار نیستند و در کمتر از چند ماه، جایگاه "بلندترین" را به برجی دیگر واگذار می‌کنند. شاید موفق‌ترین نمونه در این زمینه، برج‌های دوقلوی "پتروناس" در مالزی باشد. برج‌هایی که در سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۴ بلندترین برج‌های جهان بودند و طراحی خاص "سزار پللی"، معمار آن و همچنین مانورهای تبلیغاتی مختلف، از جمله فیلم "ماموریت غیرممکن" با بازی متهورانه تام کروز، آوازه لقب "بلندترین" را برای پتروناس مالزی، در حافظه جهانی به ثبت رساند. اما نکته جالب اینکه همان برج امروز در رتبه ۲۷ جهان است! و تنها پس از چند سال این لقب را از دست داد. امروزه باقی ماندن در صدر به کمتر از چند ماه رسیده است و عملاً هزینه‌های سخاوتمندانه برای ساخت بلندترین‌ها، دیگر مقرون به صرفه نیست.

اکنون بلندترین آسمانخراش‌ها در جهان به قرار زیرند:

۱. برج خلیفه در دبی با ارتفاع ۸۲۸ متر؛